

فصلنامه علمی (مقاله علمی پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران، سال چهارم، شماره چهارم (پیاپی ۱۳) بهار ۱۴۰۰، صص ۴۶۹-۶۲۱  
**تدوین مولفه‌ها و شاخص‌های خودتوانمندسازی، بلوغ عاطفی و هویت اخلاقی در گرایش افراد به جرم**  
**(مورد مطالعه افراد مجرم ۲۵ تا ۴۰ سال شهرستان سقز)**

هیبت محمد زاده<sup>۱</sup>

دکتر علی محمدی بلبان آباد (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>

عاطفه تیموری<sup>۳</sup>

**چکیده:**

مسائل اجتماعی یک چالش جدی برای جوامع جهانی به شمار می‌آیند و تلاش‌های گسترده‌ای جهت پیشگیری از این رفتارها و اصلاح رفتار افراد مجرم انجام می‌شود. یکی از مفاهیمی که در این حوزه به شدت تأکید شده است، مفهوم «خودتوانمندسازی» است که به معنای ارتقاء توانایی‌ها و مهارت‌های افراد برای مقابله با موقعیت‌های چالش‌برانگیز و ایجاد تغییر در رفتارها و تصمیم‌گیری‌های خود می‌باشد. هدف در پژوهش حاضر تدوین مولفه‌ها و شاخص‌های خودتوانمندسازی، بلوغ عاطفی و هویت اخلاقی در افراد مجرم (مورد مطالعه افراد مجرم ۲۵ تا ۴۰ سال شهرستان سقز) است. جامعه آماری پژوهش بر اساس هدف مطالعه، متشکل از ۱۰ نفر خبره که در این پژوهش افراد حداقل دارای ۱۰ سال سابقه فعالیت در زمینه کار با افراد مجرم، مددکاران یا کارآفرینان بودند. در این مطالعه از روش پژوهشی کیفی استفاده شد و با استفاده از نرم افزار MAXqda آنالیز شدند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تدوین مولفه‌ها و شاخص‌های خودتوانمندسازی، بلوغ عاطفی و هویت اخلاقی در افراد جرم می‌تواند بهبود قابل توجهی در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی، رفتارهای اجتماعی مسئولانه و تعاملات مثبت با جامعه به همراه داشته باشد. خودتوانمندسازی با تأکید بر مهارت‌های فردی و اجتماعی می‌تواند در کاهش جرم نقش مؤثری داشته باشد. افراد با مهارت‌های مبارزه ذهنی، مثبت اندیشی و مقاومت، می‌توانند در مقابل وسوسه‌ها و فشارهای اجتماعی مقاومت کنند و رفتارهای مشکل‌ساز را کاهش دهند. همچنین، بلوغ عاطفی به عنوان یک ظرفیت روانی مهم می‌تواند در کاهش جرم تأثیرگذار باشد. عواملی مانند مسئولیت‌پذیری و پذیرش اشتباهات اهمیت دارند و مسئولیت‌پذیری به عنوان عامل اساسی‌ترین زیر مقوله در این راستا شناسایی شده است. همچنین، هویت اخلاقی نیز به عنوان عامل مؤثر و اصلی در کاهش جرم مطرح می‌شود؛ تقویت توانایی‌ها و تحول اخلاقی افراد می‌تواند در تقویت هویت اخلاقی آنها و کاهش گرایش به جرم تأثیرگذار باشد.

**واژه‌های کلیدی:** خودتوانمندسازی، بلوغ عاطفی، هویت اخلاقی، مجرم.

<sup>۱</sup> گروه روانشناسی، اداره آموزش و پرورش سقز، آموزش و پرورش، سقز، ایران

<sup>۲</sup> گروه علوم تربیتی، واحد قره، دانشگاه آزاد اسلامی، قره، ایران

<sup>۳</sup> گروه علوم تربیتی، واحد قره، دانشگاه آزاد اسلامی، قره، ایران

## مقدمه

امروزه بی تردید یکی از مسایل پیچیده و ناراحت کننده که بسیاری از روان‌شناسان را به خود معطوف کرده موضوع جرم است که روز به روز گسترش بیشتری می‌یابد، آمارها نشان می‌دهد بر خلاف بهبود وضع زندگی به لحاظ رشد و تحولات فرهنگی و اجتماعی و همچنین توسعه و گسترش مراکز و موسسات خدمات روانشناختی باز هم آمار جرایم ارتكابی افسار گسیخته است. عوامل و دلایل احتمالی زیادی بر این پدیده ناگوار اجتماعی مرتب است که از جمله آن‌ها مسائل مربوط به عوامل اجتماعی، خانوادگی و ویژگی‌های شخصیتی و شناختی خود فرد جرم است (محمدی اصل، ۱۳۸۵). جرم از نظر روانشناختی و روانپزشکی در چارچوب اختلال‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد، در مورد جرم و سبب شناسی آن به مجموعه‌ای از عوامل زیستی، روانشناختی، اجتماعی و فرهنگی اشاره شده است (استفانی و همکاران، ۲۰۰۶)، جرم با صفات روانشناختی مختلف و متنوعی همراه است که برخی از آن‌ها عبارتند از هوش کمتر از متوسط و خلق و خوس پرخشاگرانه؛ روان‌شناسان نشان داده‌اند که جرمان نسبت به دیگر افراد جامعه به مراتب از عزت نقش کمتری برخوردار هستند (معظمی، ۱۳۸۸).

یکی از عواملی که می‌تواند با جرم رابطه داشته باشد خودتوانمندسازی است، رویکردهای توانمندسازی به پیشگیری از سوء مصرف مواد بر آموزش مهارت‌های فردی و اجتماعی عمومی در کنار مهارت‌های مقاومت تأکید می‌کند، نمونه‌هایی از انواع مهارت‌های مورد تأکید این نوع رویکردهای پیشگیرانه شامل مهارت‌های تصمیم‌گیری، مهارت‌های ارتباطی و بین فردی، مهارت‌های جراتمندی و مهارت‌های مقابله با اضطراب و خشم می‌باشند. چندین مطالعه فرا تحلیل نشان می‌دهند که رویکردهای نفوذ اجتماعی و ارتقای توانایی از رویکردهای آموزشی سنتی مؤثرتر هستند و تغییر رفتار و نگرش در این رویکردها بارزتر است (بوتوین و گرین، ۲۰۰۴).

یکی از متغیرهای که می‌تواند رابطه خودتوانمندسازی و جرم را تحت تأثیر قرار دهد هویت اخلاقی است، هویت اخلاقی از مهمترین و اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر گرایش به سمت جرم است و فردی که به میزان کافی از رشد هویت اخلاقی برخوردار هستند، گرایش کمتری نسبت به جرم دارند. یکی از راه‌حل‌ها پیشگیری از چالش‌های مانند جرم، آشنایی و تقویت هویت اخلاقی فرد است؛ که می‌تواند در انتخاب مسیر زندگی فرد بسیار تأثیرگذار باشد. مؤلفه‌ی تأثیرگذار دیگر می‌تواند خودتوانمندسازی در بین افراد باشد که می‌تواند باورها و توانایی‌های فرد را تقویت کند. نمرات بالاتر در هویت اخلاقی با سودگرایی پایین‌تر در قضاوت اخلاقی شخصی مرتبط است؛ اما رابطه هویت اخلاقی با قضاوت اخلاقی غیرشخصی معنادار نبود و شناخت اخلاقی بالا منجر به سودگرایی پایین‌تر در قضاوت‌های اخلاقی شخصی و غیرشخصی می‌شود و همچنین بین هویت اخلاقی و شناخت اخلاقی همبستگی مثبت معناداری یافت شد (امیری، ۱۳۹۸).

یکی دیگر از متغیرهای که می‌تواند رابطه خودتوانمندسازی و جرم را تحت تأثیر قرار دهد بلوغ عاطفی است، با توجه به نتایج محققین بین بلوغ عاطفی و اجتماعی نوجوانان جرم و عادی تفاوت

معنی دار وجود دارد. به این معنی که نوجوانان جرم از بلوغ عاطفی و اجتماعی پایین تری برخوردارند و لازم است در فعالیتهای مشاوره‌ای با این افراد در جهت ثبات عاطفی، سازگاری اجتماعی و دستیابی به مهارت‌های کنترل و تنظیم هیجان‌ها کار شود (ویسکرمی و همکاران، ۱۳۹۸)، همچنین متغیرهای طرحواره‌های ناسازگارانه، بلوغ اجتماعی و بلوغ عاطفی ۰/۶۳ تغییرات مربوط به نندالیسم نوجوانان جرم را به صورت معناداری پیش‌بینی می‌کنند. این یافته بیان می‌کند که طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه و بلوغ اجتماعی/عاطفی از متغیرهای تاثیرگذار در نندالیسم نوجوانان جرم هستند (وطن خواه و همکاران، ۱۳۹۶).

با در نظر گرفتن مطالب ارائه شده هدف این پژوهش تدوین الگوی خودتوانمندسازی، بلوغ عاطفی و هویت اخلاقی در میان افراد جرم شهرستان سقز می‌باشد.

از نظر اهمیت و ضرورت مسئله می‌توان گفت بحران هویت و بلوغ مسئله روز جوامع امروزی است و آسیب‌های اجتماعی برخاسته از آن، پدیدآورنده مسائل و مشکلاتی هستند که دامن‌گیر جوامع امروزی شده است. چون جوانان و نوجوانان در مرکز این بحران قرار دارند، بنابراین کسانی که به دنبال بحران هویت به‌سوی آسیب‌های اجتماعی گرایش پیدا می‌کنند در اکثر موارد، فرصت‌های جبران‌ناپذیری را از حیث تحصیل، اشتغال و کار از دست می‌دهند، قشری مطرود در جامعه تلقی می‌شوند، رنج و ناراحتی خانواده‌های آنان نیز از لحاظ سلامت اجتماع قابل توجه است. وقت و هزینه‌ای که دولت و سازمان‌های مسئول از جمله ناجا و دادگستری صرف حل آن می‌کنند، در جای خود قابل تأمل است. در صورتی که راه‌های پیشگیری این معضل شناخته شود و از کثرت نوجوانان و جوانان بزه‌کار کاسته شود، قسمت اعظم بودجه و وقت اختصاص داده‌شده را می‌توان صرف آموزش، پرورش و مهارت این گروه سنی از جامعه نمود. زندگی اجتماعی انسان تحت حاکمیت قواعد یا هنجارهای اجتماعی است. این هنجارها به زندگی اجتماعی خصلتی منظم و قابل پیش‌بینی می‌بخشند، اما همیشه همه‌کس با انتظارات اجتماعی هم‌نواپی نمی‌کنند، افراد اغلب از قواعدی که انتظار می‌رود تبعیت کنند، منحرف می‌شوند. در واقع به همان اندازه ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، انواع فراوان تخلف از قانون نیز وجود دارد. از آنجاکه هنجارها در میان فرهنگ‌های مختلف و حتی بین خرده‌فرهنگ‌های گوناگون درون یک جامعه فرق می‌کنند، آنچه در یک محیط فرهنگی بهنجار است در محیط فرهنگی دیگری انحرافی است. نوجوانی و جوانی دوره‌هایی از چرخه زندگی آدمیان است که احتمال بروز رفتارهای نابهنجار و انحرافی افزایش می‌یابد. نوجوانان در این دوران با تحولات عمده زیستی روانی روبرو می‌شود و امکانات و توانایی‌های تازه‌ای پیدا می‌کنند و نسبت به دوره‌ی کودکی نیز از آزادی‌ها و استقلال بیشتری برخوردار می‌شوند و این پیش از آن است که از طریق درگیری و پیوند با نقش‌های اجتماعی جدید مثل شغل و ازدواج تحت پوشش و کنترل نیروهای اجتماعی قرار گیرند. گسترده شدن آسیب‌های اجتماعی، تهدیدی برای امنیت اجتماعی بشمار می‌رود و نمایشگر تزلزلی در خود جامعه و شکست جامعه در انتقال ارزش‌های اجتماعی به نوجوانان محسوب می‌شود.

بلوغ جسمی فرایندی است که هر انسانی طی زندگی برایش اتفاق می‌افتد و تغییرات فیزیکی در او ایجاد می‌کند. بلوغ فکری یک انتخاب است. برای رشد بلوغ فکری، باید چالش‌های زندگی را پیشگیری کنید. چالش‌های که می‌توان از آن درس گرفت و توانمندی‌های فرد را افزایش دهد و یا چالش‌های که می‌تواند زندگی فرد را به تباهی بکشد. یکی از راه‌حل‌ها پیشگیری از چالش‌های مانند جرم، آشنایی و تقویت هویت اخلاقی فرد است؛ که می‌تواند در انتخاب مسیر زندگی فرد بسیار تأثیرگذار باشد. مؤلفه‌ی تأثیرگذار دیگر می‌تواند خود توانمندسازی در بین افراد باشد که می‌تواند باورها و توانایی‌های فرد را تقویت کند. به دلیل اهمیت بالای جرم و متغیرهای تعریف شده در سراسر جهان و همچنین جلوگیری از افزایش روزافزون این معضل پژوهشگران و محققان بسیاری در صدد هستند تا بتوانند راه‌حل‌های متعددی برای این معضل معرفی کنند.

### سؤالات پژوهش

- مؤلفه‌ها و شاخص‌های خودتوانمندسازی بر جرم در شهرستان سقز کدام است؟
- مؤلفه‌ها و شاخص‌های بلوغ عاطفی بر جرم در شهرستان سقز کدام است؟
- مؤلفه‌ها و شاخص‌های هویت اخلاقی بر جرم در شهرستان سقز کدام است؟

### روش شناسی تحقیق

در این مطالعه از روش پژوهشی کیفی استفاده شد تا فرصتی فراهم آید برای توصیف مفاهیم، معانی و پدیده‌هایی که در تعاملات انسانی و اجتماعی شکل می‌گیرد نگرش‌ها، دیدگاه‌ها و باورهای انسان‌ها در مورد خودشان و جهان اطرافشان از مهم‌ترین عرصه زندگی در این رویکرد قابل بررسی است (منصوریان، ۱۳۹۱) این‌که چرا در پژوهش حاضر از روش کیفی استفاده می‌شود به اهداف پژوهش برمی‌گردد (فلیک، ۱۳۹۴) این رویکرد پژوهشی مثل سایر مطالعات که معمولاً با مسئله‌ای مشخص آغاز می‌شود، با تدوین پرسش‌ها ادامه می‌یابد و برخلاف پژوهش‌های کمی بر متغیر یا متغیرهای خاصی تأکید نمی‌کند، بلکه کلیت موضوع را در نظر می‌گیرد. درصدد تدوین الگوی خودتوانمندسازی، بلوغ عاطفی و هویت اخلاقی در افراد جرم (مورد مطالعه افراد جرم ۲۵ تا ۴۰ سال شهرستان سقز) است. به نظر می‌رسد بهترین روش برای دست‌یابی به هدف اکتشاف و شناسایی مفهوم موضوع مورد پژوهش، روش کیفی باشد.

با توجه به اکتشافی بودن پژوهش حاضر و فقدان اطلاعات و پژوهش در این حوزه، استراتژی انجام این پژوهش «پدیدارنگاری» است. پدیدارنگاری با پدیدارشناسی متفاوت است؛ در حالی که پدیدارشناسی عمدتاً یک روش فلسفی است که در آن فیلسوف نظر و درک خود را درباره یک پدیده مسلم و قطعی می‌داند، پدیدارنگاری یک روش پژوهشی است که در آن پژوهشگر درک و فهم افراد دیگر را درباره یک پدیده تجربه شده توصیف می‌کند (مارتن، ۱۹۹۴؛ به نقل از غلامی و اسدی، ۱۳۹۲).

از آنجا که روش پژوهش در پدیدار نگاری شامل چهار مرحله (برنامه‌ریزی، جمع‌آوری داده، تجزیه و تحلیل و تفسیر) می‌باشد (بودن و والش، ۲۰۰۰؛ به نقل از شهنازبان و همکاران، ۱۳۹۵) پژوهشگر در مرحله برنامه‌ریزی، بر روی هدف پژوهش متمرکز شد تا سؤالات پژوهش و ورودی‌های برنامه‌ریزی شده را تعیین نماید. فرایند انجام کار این‌گونه بود که پژوهشگر به مرور پیشینه مربوط پرداخت و ابعاد گوناگون پدیده‌ی مد نظر را بررسی و مطالعه نمود تا به سه هدف عمده که تأثیر به‌سزایی در اعتبار پژوهش دارد نائل آید؛ هدف نخست تکمیل دانش خود و کسب آمادگی برای انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته، هدف دوم کمک به تدوین سؤالات محرک، هدف سوم بررسی برداشت‌های متفاوت تجارب دیگر پژوهشگران در مورد پدیده که می‌توانست در تحلیل داده‌های به دست آمده از تجارب زنده مشارکت‌کنندگان به او کمک کند. پس از مرور پیشینه، پژوهشگر با توجه به دانشی که کسب کرده بود سؤالات محرک را برای انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته طراحی کرد تا حیطه موضوعی مصاحبه‌ها از اشتراک بیشتری برخوردار باشد و تحلیل آن‌ها راحت‌تر و اصولی‌تر انجام گیرند.

در بخش کیفی از روش نمونه‌گیری نظری در این پژوهش برای نمونه‌گیری استفاده شد. نمونه‌گیری نظری عبارت از نمونه‌گیری بر مبنای مفاهیم در حال ظهور برگرفته از داده‌ها است. لازم به ذکر است که نمونه‌گیری نظری تا رسیدن مقوله‌ها به اشباع نظری ادامه یافت؛ مقصود از اشباع نظری مرحله‌ای است که در آن داده‌های جدیدی در ارتباط با مقوله پدید نیاید و روابط بین مقوله‌ها برقرار و تأیید شده است (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵). سؤالات مصاحبه از نوع باز پاسخ بوده و تا از زبان کارشناسان مفاهیم شود، ادامه دارد. فرایند مصاحبه‌ها، ضبط و سپس پیاده‌سازی است. بر این اساس تعداد ۱۰ نفر از خبره که در این پژوهش این افراد می‌بایست حداقل دارای ۱۰ سال سابقه فعالیت در زمینه کار با افراد جرم، مددکاران یا کارآفرینان است.

از بین روش‌های جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش پدیدار نگاری که عبارت از: مشاهده، مصاحبه، یادداشت‌برداری میدانی، اسناد و مدارک و ترکیبی از این‌ها هستند (هالوی و ویلر، ۱۳۸۵) پژوهشگر «مصاحبه» را که اصلی‌ترین روش جمع‌آوری در پژوهش‌های پدیدارنگارانه شناخته شده را برگزید چراکه موقعیتی را فراهم می‌آورد تا شرکت‌کننده دیدگاهش را نسبت به دنیا آن‌طور که تجربه کرده با استفاده از زبان و لغات خاص خود تشریح کند. هدف از مصاحبه در این پژوهش استخراج پاسخ‌های شرکت‌کنندگان از عمق موضوع بود؛ بنابراین محدود نبود و شرکت‌کنندگان می‌توانستند روی تجارب خود درباره موضوع مورد نظر بحث کنند و محقق می‌توانست به همه زوایای پدیده پی ببرد (عابدی، ۱۳۸۹) ماهیت اکتشافی پژوهش انعطاف‌پذیری بالای پژوهشگر را جهت کاوش موضوعات تازه، غیر منتظره و مبهم می‌طلبد، بر این اساس از روش مصاحبه عمیق استفاده شد. ارزش این شیوه مصاحبه به انعطاف‌پذیری آن است چرا که اجازه می‌دهد بینش و دیدگاه مصاحبه شونده درک شود (هومن، ۱۳۸۵) مصاحبه عمیق وضعیتی را به وجود می‌آورد تا شرکت‌کننده دیدگاه خود را آن‌طور که تجربه کرده با استفاده از زبان و لغات خاص خود تشریح کند (هالوی و ویلر، ۱۳۸۵) هدف از این مصاحبه استخراج زیر مقوله‌ها و پاسخ‌ها از عمق موضوع بود.

در پژوهش حاضر جهت تحلیل اطلاعات به دست آمده از مصاحبه از رویکرد اصلاح شده کلایزی (۱۹۷۸)؛ به نقل از هالوی و ویلر، (۱۳۸۵) به شرح زیر استفاده شد:

۱- همه توضیحات شرکت کننده، به دقت مطالعه می‌شوند. برای این منظور تمام مصاحبه‌ها ضبط خواهند شد و سپس بر روی کاغذ برگرداند می‌شوند (اصطلاحاً گفته می‌شود نوارهای صوتی پیاده می‌شوند) در قدم بعدی برای کسب معانی، آن‌ها چندین بار خوانده می‌شود تلاش بر این است این مرحله به دقت صورت گیرد و محقق با یک بار خواندن مصاحبه دست به استخراج معانی نزنند، بلکه به منظور به دست آوردن یک احساس و مأنوس شدن با داده‌ها محقق چندین بار توضیحات را بخواند و آن قدر در این مرحله تأمل کند که بتواند تسلط کافی در فهم کلی مصاحبه را پیدا کند. معمولاً این مرحله به «ساکن شدن محقق در داده‌ها» معروف است.

۲- مرحله استخراج جملات مهم: در این مرحله از قبل تصمیم گرفته شده که به هر دو محتوای آشکار و ضمنی توجه شود فرایند کدگذاری سطح اول با شناسایی و پررنگ کردن واحد تحلیل (جملات و پاراگراف‌هایی که دارای معانی خاص اند) آغاز می‌گردد. عبارات یا جملاتی که به طور مستقیم به پدیده مورد نظر مربوط است، از مصاحبه‌ها استخراج می‌گردد (بدین منظور زیر جملات مهم خط کشیده می‌شود).

۳- مرحله فرموله کردن معانی شناخته شده: در این قسمت، معنی هر جمله مهم استخراج و در حاشیه متن مصاحبه یادداشت می‌گردد. این‌ها به عنوان معانی منظم شده یا «کد» شناخته خواهند شد.

۴- مرحله دسته‌بندی داده‌ها: مورد قبلی برای هر مصاحبه تکرار می‌شود و انبوه معانی استخراج شده به صورت خوشه موضوعات (تم‌ها یا موضوعات اصلی)، سازماندهی و فرموله می‌شوند: الف) این خوشه موضوعات، به پروتکل‌های اولیه ارجاع داده می‌شوند تا روایی آن‌ها مورد بررسی و تأیید قرار گیرند.

ب) تناقضاتی در بین و یا درون خوشه‌ها: در این مرحله، اگر اختلافاتی در داخل و یا بین خوشه‌ها دیده شد، یا بعضی از موضوعات با موارد دیگر هم خوشه نبودند یا به طور کامل با دیگر موارد مربوط نبودند. در این موارد به پروتکل‌های اولیه مراجعه و با مطالعه بیشتر مصاحبه‌ها به ریشه آن معانی پی برده خواهد شد و تصمیم لازم برای دسته‌بندی آن‌ها اتخاذ می‌شود

۵- تلفیق نتایج در قالب یک توصیف جامع: در این مرحله یک توصیف جامع از خوشه‌ها و نتایج تهیه می‌گردد.

۶- اعتبارسنجی نهایی یافته‌ها: از طریق مراجعه مجدد به چند نفر از شرکت‌کنندگان و پرسش از آنان در مورد نتایج، از صحت یافته‌ها اطمینان حاصل می‌شود.

البته طبق نظر کلایزی محقق در صورت لزوم نسبت به این مراحل انعطاف‌پذیر بود (هالوی و ویلر، ۱۳۸۵) بر اساس این روش، مطابق با روش پیشنهادی اسمیت و همکاران (۱۹۹۹)؛ به نقل از ادیب و همکاران (۱۳۹۵) پس از هر مصاحبه بلافاصله یادداشت فوری موارد غیر قابل ضبط انجام می‌شد و پس از آن فایل صوتی کلمه به کلمه روی کاغذ پیاده می‌شد تا مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. نوار ضبط شده چندین بار شنیده می‌شد و عین بیانات شرکت‌کنندگان استخراج می‌گردید تا ضمن اطمینان

از دقیق بودن اطلاعات، به غوطه وری در داده‌ها که لازمه تحلیل است کمک شود. فرایند آوانویسی (برگرداندن صدا به نوشته) که تمام می‌شد و مصاحبه‌ها به صورت رونوشت‌های متنی درمی‌آمد. متن مصاحبه‌ها توسط پژوهشگر تایپ می‌شد تا برای مدیریت داده‌های کیفی، متن مرتب شود و از سوی دیگر چندین بار مرور می‌شد تا شناخت کلی از آن حاصل شود و قبل از شروع کدگذاری آشنایی کامل با داده‌ها صورت گیرد. سپس واحدهای معنایی و کدهای اولیه از داده‌های خام استخراج گردید تا تثبیت در کدگذاری حاصل شود. پس از پیاده‌سازی مصاحبه با استفاده از رویه کدگذاری نظری، آن توسط تیمی چهارنفره از پژوهشگران تحلیل شد. از این فرایند جهت تقلیل داده‌ها استفاده شد و داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و منتخب تحلیل شدند.

فرایند تحلیل داده‌ها استقرایی بود و هیچ چهارچوب مفهومی قبلی وجود نداشت. تجزیه و تحلیل داده‌ها شامل آماده‌سازی و سازماندهی داده‌ها بود. جهت حصول اطمینان از قابل درک بودن مقوله‌های ایجاد شده در رابطه با متن و سرچشمه گرفتن ارتباط بین زیر مقوله‌ها از متن نظرات شرکت‌کنندگان به‌طور مرتب بین متن اولیه و فهرست زیر مقوله‌های در حال سازماندهی رفت و برگشت می‌شد و با ایجاد یک جدول خلاصه از زیر مقوله‌ها و مقوله‌های استخراج شده برای نخستین شرکت‌کننده و تلفیق با زیر مقوله‌ها و مقوله‌های حاصل از شرکت‌کنندگان دیگر به صورت پیش رونده توصیفی از مفهوم خودتوانمندسازی به عمل می‌آمد؛ به عبارت دیگر پس از تحلیل هر مصاحبه در صورت لزوم سوالات دیگری نیز به سوالات قبلی اضافه می‌شد و در مصاحبه‌های بعدی برای رفع ابهامات و یا کسب اطلاعات بیشتر مصاحبه تکمیلی انجام می‌شد و سوالات جای خود را به مفاهیمی می‌دادند که از داده‌ها استخراج می‌شد. به عبارتی سوالات اولیه، مبنای گردآوری داده‌ها در مصاحبه‌های بعدی می‌شد.

پس از پیاده‌سازی همه مصاحبه‌ها با استفاده از رویه کدگذاری تمام رونوشت‌ها با در نظر گرفتن سؤال پژوهش خوانده شد و پیش‌نویسی از طبقات توصیفی نوشته شده برای مدیریت داده‌ها وارد نرم افزار MAXQDA-10 شد تا تجزیه و تحلیل دقیق‌تری صورت گیرد و نهایتاً کدها، زیر مقوله‌ها و مقوله‌ها را در قالب نمودارها، جداول و توصیف‌ها نمایش داده شود.

### یافته‌های پژوهش

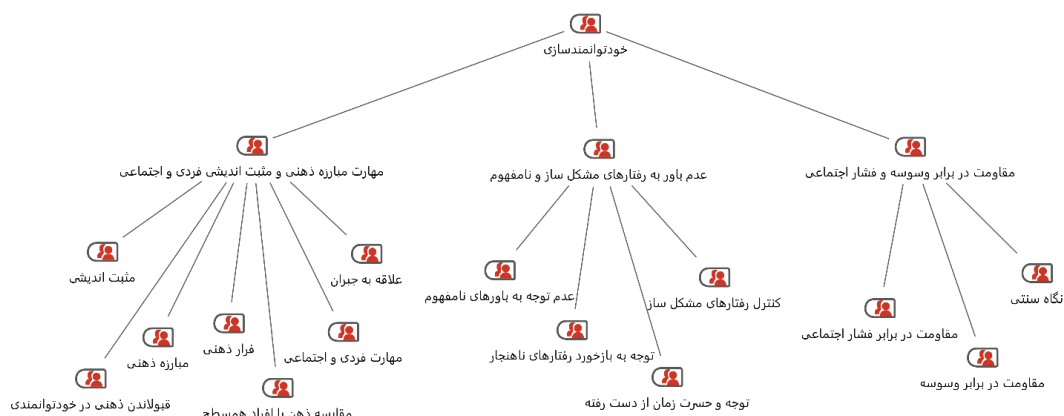
- سوال اول: مولفه‌ها و شاخص‌های خودتوانمندسازی بر گرایش به جرم در شهرستان سقز کدام است؟

با توجه به آنچه مطرح شد، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل کیفی مصاحبه‌های انجام شده، به کشف ۱۴ زیر مقوله انجامید که در ۳ مقوله کلی (مقاومت در برابر وسوسه و فشار اجتماعی، عدم باور به رفتارهای مشکل‌ساز و نامفهوم، مهارت مبارزه ذهنی و مثبت اندیشی فردی و اجتماعی) قرار گرفتند که به تفکیک در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱: مقوله‌های اصلی و زیر مقوله‌ها خودتوانمندسازی

مقاومت در برابر وسوسه و فشار اجتماعی	عدم باور به رفتارهای مشکل ساز و نامفهوم	مهارت مبارزه ذهنی و مثبت اندیشی فردی و اجتماعی
مقاومت در برابر وسوسه مقاومت در برابر فشار اجتماعی نگاه سنتی	توجه و حسرت زمان از دست رفته عدم توجه به باورهای نامفهوم توجه به بازخورد رفتارهای ناهنجار کنترل رفتارهای مشکل ساز	علاقه به جبران مقایسه ذهن با افراد همسطح فرار ذهنی مهارت فردی و اجتماعی قبولاندن ذهنی در خودتوانمندی مبارزه ذهنی مثبت اندیشی

با توجه به ادبیات پژوهشی حوزه خودتوانمندی سازی در افراد جرم، عوامل متعددی وجود دارند که می توانند جزء خودتوانمندی سازی محسوب شوند. در نمونه مورد مطالعه، خودتوانمندی سازی به عنوان مقوله نخست شناسایی شد. رویکردهای توانمندی سازی به پیشگیری از سوء مصرف مواد بر آموزش مهارت های فردی و اجتماعی عمومی در کنار مهارت های مقاومت تأکید می کند، نمونه هایی از انواع مهارت های مورد تأکید این نوع رویکردهای پیشگیرانه شامل مهارت های تصمیم گیری، مهارت های ارتباطی و بین فردی، مهارت های جراتمندی و مهارت های مقابله با اضطراب و خشم می باشند. در این مقوله مشارکت کنندگان طی مصاحبه خود به زیر مقوله هایی همچون (مقاومت در برابر وسوسه و فشار اجتماعی، عدم باور به رفتارهای مشکل ساز و نامفهوم، مهارت مبارزه ذهنی و مثبت اندیشی فردی و اجتماعی) اشاره کردند.



### تصویر ۱: خودتوانمندی سازی و زیر مقوله ها و کدهای اختصاص یافته به آن

همانطور که در تصویر ۱، ملاحظه می شود ۳ زیر مقوله و ۱۴ کد به این شاخص اختصاص یافته است. ارزیابی نقش خودتوانمندی سازی در افراد مجرم نشان می دهد که بنا به تکرار اظهارات مشارکت کنندگان، پر اهمیت ترین زیر مقوله در این شاخص «مهارت مبارزه ذهنی و مثبت اندیشی فردی و اجتماعی» نشان می دهد، همچنین کم اهمیت ترین زیر مقوله در این شاخص را «عدم باور به رفتارهای مشکل ساز و نامفهوم» نشان داده می شود.



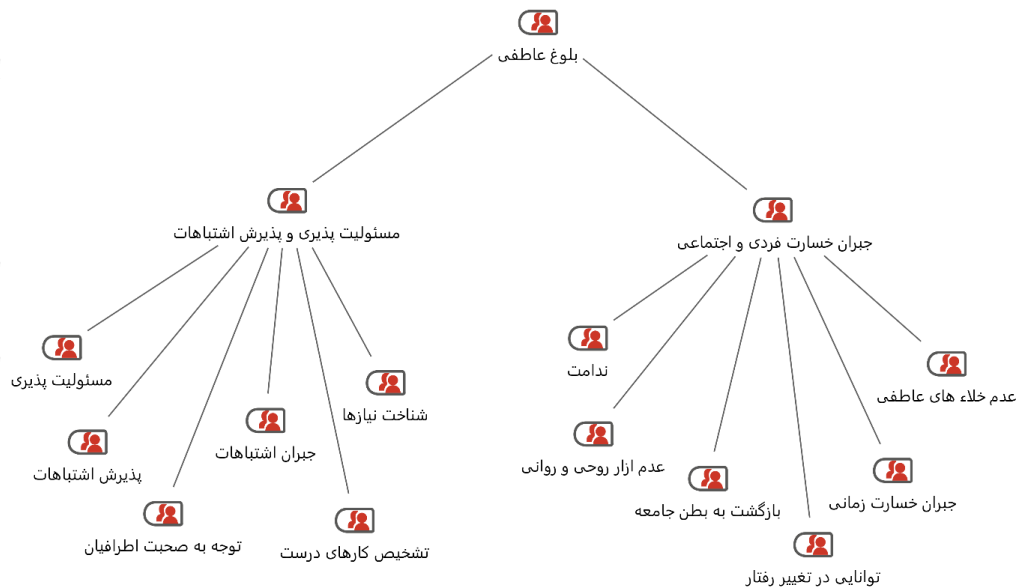
- سوال دوم: مولفه‌ها و شاخص‌های بلوغ عاطفی بر گرایش به جرم در شهرستان سقز کدام است؟

با توجه به آنچه مطرح شد، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل کیفی مصاحبه‌های انجام شده، به کشف ۱۲ زیر مقوله انجامید که در ۲ مقوله کلی (مسئولیت پذیری و پذیرش اشتباهات، جبران خسارت فردی و اجتماعی) قرار گرفتند که به تفکیک در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۲: جدول مقوله‌های اصلی و زیر مقوله‌ها بلوغ عاطفی

مسئولیت پذیری و پذیرش اشتباهات	جبران خسارت فردی و اجتماعی
شناخت نیازها	عدم خلاء های عاطفی
تشخیص کارهای درست	جبران خسارت زمانی
جبران اشتباهات	توانایی در تغییر رفتار
توجه به صحبت اطرافیان	بازگشت به بطن جامعه
پذیرش اشتباهات	عدم آزار روحی و روانی
مسئولیت پذیری	ندامت

با توجه به ادبیات پژوهشی حوزه بلوغ عاطفی در افراد جرم، عوامل متعددی وجود دارند که می‌توانند جزء بلوغ عاطفی محسوب شوند. بلوغ عاطفی یک ظرفیت روانی است که پتانسیل کاهش جرم نوجوانان را دارد. مطالعات نشان داده است که در این دوره مشکلات رفتاری درونی‌سازی (مانند اضطراب و افسردگی) و مشکلات رفتاری برون‌سازی (مانند جرم، اعتیاد و پرخاشگری) رواج و شیوع بیشتری می‌یابند. در این مقوله مشارکت کنندگان طی مصاحبه خود به زیر مقوله‌هایی همچون (مسئولیت پذیری و پذیرش اشتباهات، جبران خسارت فردی و اجتماعی) اشاره کردند.



تصویر ۲: بلوغ عاطفی و زیر مقوله‌ها و کدهای اختصاص یافته به آن

همانطور که در تصویر ۲، ملاحظه می‌شود ۲ زیر مقوله و ۱۲ کد به این شاخص اختصاص یافته است. ارزیابی نقش بلوغ عاطفی در افراد مجرم نشان می‌دهد که بنا به تکرار اظهارات مشارکت کنندگان، پر اهمیت‌ترین زیر مقوله در این شاخص «مسئولیت پذیری و پذیرش اشتباهات» نشان می‌دهد، همچنین کم اهمیت‌ترین زیر مقوله در این شاخص را «جبران خسارت فردی و اجتماعی» نشان داده می‌شود.

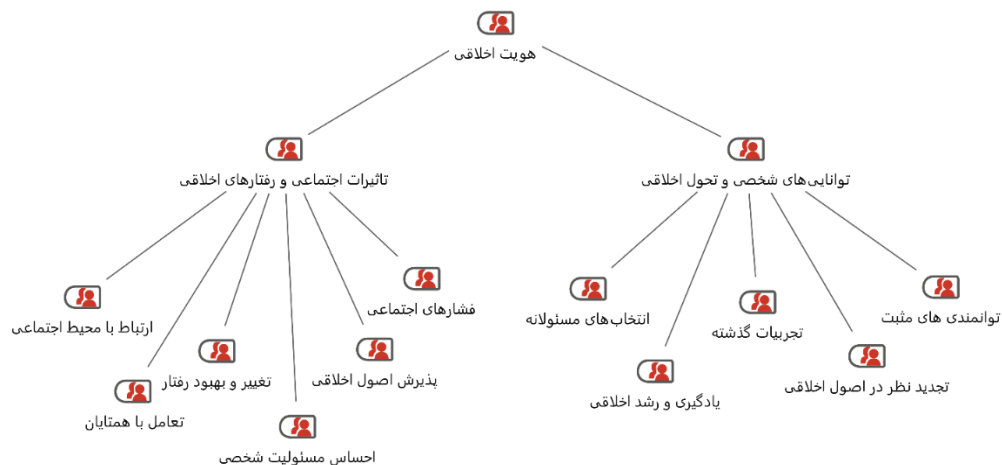
- سوال سوم: مولفه‌ها و شاخص‌های هویت اخلاقی بر گرایش به جرم در شهرستان سقز کدام است؟

با توجه به آنچه مطرح شد، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل کیفی مصاحبه‌های انجام شده، به کشف ۱۱ زیر مقوله انجامید که در ۲ مقوله کلی (توانایی‌های شخصی و تحول اخلاقی، تأثیرات اجتماعی و رفتارهای اخلاقی) قرار گرفتند که به تفکیک در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳: جدول مقوله‌های اصلی و زیر مقوله‌ها هویت اخلاقی

تأثیرات اجتماعی و رفتارهای اخلاقی	توانایی‌های شخصی و تحول اخلاقی
فشارهای اجتماعی	توانمندی‌های مثبت
پذیرش اصول اخلاقی	تجدید نظر در اصول اخلاقی
احساس مسئولیت شخصی	تجربیات گذشته
تغییر و بهبود رفتار	یادگیری و رشد اخلاقی
تعامل با هم‌تایان	انتخاب‌های مسئولانه
ارتباط با محیط اجتماعی	

با توجه به ادبیات پژوهشی حوزه هویت اخلاقی در افراد جرم، عوامل متعددی وجود دارند که می‌توانند جزء هویت اخلاقی محسوب شوند. مطالعات نشان دادند که هویت اخلاقی از مهمترین و اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر گرایش افراد به سمت جرم است و افرادی که به میزان کافی از رشد هویت اخلاقی برخوردار هستند، گرایش کمتری نسبت به جرم دارند. یکی از راه‌حل‌ها پیشگیری از چالش‌های مانند جرم، آشنایی و تقویت هویت اخلاقی فرد است؛ که می‌تواند در انتخاب مسیر زندگی فرد بسیار تأثیرگذار باشد. در این مقوله مشارکت کنندگان طی مصاحبه خود به زیر مقوله‌هایی همچون (توانایی‌های شخصی و تحول اخلاقی، تأثیرات اجتماعی و رفتارهای اخلاقی) اشاره کردند.



### تصویر ۳: هویت اخلاقی و زیر مقوله‌ها و کدهای اختصاص یافته به آن

همانطور که در تصویر ۳، ملاحظه می‌شود ۲ زیر مقوله و ۱۱ کد به این شاخص اختصاص یافته است. ارزیابی نقش هویت اخلاقی در افراد جرم نشان می‌دهد که بنا به تکرار اظهارات مشارکت کنندگان، پر اهمیت‌ترین زیر مقوله در این شاخص «تأثیرات اجتماعی و رفتارهای اخلاقی» نشان می‌دهد، همچنین کم اهمیت‌ترین زیر مقوله در این شاخص را «توانایی‌های شخصی و تحول اخلاقی» نشان داده می‌شود.

### بحث

با توجه به الگوی بلوغ عاطفی بر جرم در شهرستان سقز، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل کیفی مصاحبه‌های انجام شده، به کشف ۱۲ زیر مقوله انجامید که در ۲ مقوله کلی (مسئولیت پذیری و پذیرش اشتباهات، جبران خسارت فردی و اجتماعی) قرار گرفتند. با توجه به ادبیات پژوهشی حوزه بلوغ عاطفی در افراد جرم، عوامل متعددی وجود دارند که می‌توانند جزء بلوغ عاطفی محسوب شوند. بلوغ عاطفی یک ظرفیت روانی است که پتانسیل کاهش جرم نوجوانان را دارد. مطالعات نشان داده است که در این دوره مشکلات رفتاری درونی‌سازی (مانند اضطراب و افسردگی) و مشکلات رفتاری برون‌سازی (مانند جرم، اعتیاد و پرخاشگری) رواج و شیوع بیشتری می‌یابند. ارزیابی نقش بلوغ عاطفی در افراد جرم نشان می‌دهد که بنا به تکرار اظهارات مشارکت کنندگان، پر اهمیت‌ترین زیر مقوله در این شاخص «مسئولیت پذیری و پذیرش اشتباهات» نشان می‌دهد، همچنین کم اهمیت‌ترین زیر مقوله در این شاخص را «جبران خسارت فردی و اجتماعی» نشان داده می‌شود.

عباسی بیگی و همکاران (۱۳۹۸) نشان داد که آموزش مبتنی بر معنادرمانی گروهی منجر به ارتقاء سبک هویت اطلاعاتی و کاهش سبک هویت سردرگم-آشفته شده است؛ اما بر سبک هویت هنجاری تأثیری نداشته است. همچنین نتایج نشان داد که این آموزش منجر به افزایش بلوغ عاطفی در نوجوانان شده است. صدیقی ارفعی و تابش (۱۴۰۱)، نتایج نشان داد که هر دو متغیر نمودارهای عاطفی و سرکوب افکار می‌توانند جرم چندبعدی را در نوجوانان پیش‌بینی کنند. همچنین بررسی نقش جنسیت

در رابطه بین نمودارهای عاطفی و سرکوب افکار با جرم مورد تأیید قرار گرفت. در نهایت می‌توان با بهره‌گیری از این نتایج و ارائه آموزش‌های مربوط به تقویت نمودارهای عاطفی و راهبردهای سازگارانه مقابله با استرس و تنش، گام بلندی در جهت کاهش جرم در نوجوانان برداشت.

با توجه به الگوی هویت اخلاقی بر جرم در شهرستان سقز، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل کیفی مصاحبه‌های انجام شده، به کشف ۱۱ زیر مقوله انجامید که در ۲ مقوله کلی (توانایی‌های شخصی و تحول اخلاقی، تأثیرات اجتماعی و رفتارهای اخلاقی) قرار گرفتند. با توجه به ادبیات پژوهشی حوزه هویت اخلاقی در افراد جرم، عوامل متعددی وجود دارند که می‌توانند جزء هویت اخلاقی محسوب شوند. مطالعات نشان دادند که هویت اخلاقی از مهمترین و اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر گرایش نوجوانان به سمت جرم است و نوجوانانی که به میزان کافی از رشد هویت اخلاقی برخوردار هستند، گرایش کمتری نسبت به جرم دارند. یکی از راه‌حل‌ها پیشگیری از چالش‌های مانند جرم، آشنایی و تقویت هویت اخلاقی فرد است؛ که می‌تواند در انتخاب مسیر زندگی فرد بسیار تأثیرگذار باشد. ارزیابی نقش هویت اخلاقی در افراد جرم نشان می‌دهد که بنا به تکرار اظهارات مشارکت‌کنندگان، پر اهمیت‌ترین زیر مقوله در این شاخص «تأثیرات اجتماعی و رفتارهای اخلاقی» نشان می‌دهد، همچنین کم اهمیت‌ترین زیر مقوله در این شاخص را «توانایی‌های شخصی و تحول اخلاقی» نشان داده می‌شود.

قربانی و یازلو (۱۴۰۰)، در مطالعه‌ای رابطه بین سبک‌های هویت‌یابی و خودکارآمدی با نگرش به جرم در دانش‌آموزان دبیرستانی پسر متوسطه دوم گرگان نشان داد مدل برازش خوبی از داده‌های دنیای واقعی داشته و تأثیر متغیر خودکارآمدی در مؤلفه‌های نگرش به جرم تأیید شده و برازش معنی‌دار بود. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان از سبک‌های هویت‌یابی و خودکارآمدی در کاهش نگرش به جرم استفاده نمود.

### نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تدوین الگوی خودتوانمندسازی، بلوغ عاطفی و هویت اخلاقی در افراد مجرم می‌تواند بهبود قابل توجهی را در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی، رفتارهای اجتماعی مسئولانه و تعاملات مثبت با جامعه به همراه داشته باشد. خودتوانمندسازی با تأکید بر مهارت‌های فردی و اجتماعی می‌تواند در کاهش جرم در شهرستان سقز نقش مؤثری داشته باشد. این مطالعه بر اهمیت مهارت‌های مبارزه ذهنی، مثبت‌اندیشی و مقاومت تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که افراد با این مهارت‌ها می‌توانند در مقابل وسوسه‌ها و فشارهای اجتماعی مقاومت کنند و رفتارهای مشکل‌ساز را کاهش دهند. همچنین بلوغ عاطفی به عنوان یک ظرفیت روانی مهم می‌تواند در کاهش جرم در شهرستان سقز تأثیرگذار باشد. عوامل مختلفی در این زمینه اهمیت دارند، اما مسئولیت‌پذیری و پذیرش اشتباهات به عنوان عامل اساسی و مؤثرترین زیر مقوله در این راستا شناسایی شده است. به همین ترتیب، جبران خسارت فردی و اجتماعی کمترین تأثیر را در حوزه‌ی بلوغ عاطفی به عنوان

یک عامل موثر در گرایش به جرم دارد. همچنین هویت اخلاقی به عنوان یک عامل مؤثر و اصلی در کاهش جرم در شهرستان سقز مطرح می‌شود. افزایش توانایی‌ها و تحول اخلاقی افراد می‌تواند در تقویت هویت اخلاقی آنها و کاهش گرایش به جرم تأثیرگذار باشد.

### منابع و مأخذ

- احمدوند، شهین؛ ابوالقاسمی، عباس؛ وطن‌خواه، محمد. (۱۳۹۶). پیش‌بینی گرایش به وندالیسم در جرمان براساس طرحواره‌های ناسازگارانه‌ی اولیه و بلوغ اجتماعی عاطفی، پژوهش‌های روانشناختی، ۲ (۲۴): ۵۴ تا ۷۷.
- افراسیابی، علی. (۱۳۸۹). امکان بازپذیری اجتماعی جرمان در بسترهای کیفری و پساکیفری موجود. فصلنامه علمی مطالعات پیشگیری از جرم، (۱۵): ۳۳-۵۸.
- اکبری، بهمن؛ خوش چین گل، نورا؛ نادری فر، نسرین؛ موسی زاده، نصیبه. (۱۳۹۸). مقایسه تنظیم شناختی هیجانی و سبک‌های هویتی در نوجوانان جرم و غیر جرم. سلامت اجتماعی، ۶ (۲): ۲۲۷-۲۳۵.
- امیری، سهراب. (۱۳۹۷). نقش هویت اخلاقی و شناخت اخلاقی در قضاوت‌های اخلاقی شخصی و غیرشخصی سودگرایانه نوجوانان با تاکید بر جنسیت، نشریه شناخت اجتماعی، شماره ۱۴.
- ایران پور، یلدا؛ شیر، عباس؛ عظیم زاده، شادی. (۱۳۹۹). تأثیر سرمایه اجتماعی بر جرم (مطالعه موردی: جوانان (۱۸ تا ۲۹) جرم و عادی شهر کرج). مدیریت سرمایه اجتماعی، ۷ (۴): ۵۶۳-۵۸۶.
- ایمانی، رویا؛ محب، نعیمه. (۱۳۸۸). رابطه بین بلوغ عاطفی مادران با اختلالات رفتاری فرزندان، زن و مطالعات خانواده ۲ (۶): ۲۹-۴۹.
- ایمانی، سعید؛ الخلیل، یاسمین؛ شکری، امید. (۱۳۹۸). بررسی رابطه نگرش‌های ناکارآمد با اضطراب اجتماعی در نوجوانان دانش‌آموز: نقش میانجی‌گر تنظیم هیجان. فصلنامه مطالعات روان‌شناسی تربیتی، ۱۶ (۳۳) صص ۱-۲۸.
- دهقان دهنوی، حسن؛ صیادی، محمود. (۱۳۹۸). بررسی رابطه توانمندسازی با کارآفرینی فردی زندانیان اداره کل زندان‌های استان یزد، سومین کنفرانس علمی دستاوردهای نوین در مطالعات علوم مدیریت، حسابداری و اقتصاد ایران، ایلام
- رحیمی، رقیه؛ خوش کنش، ابوالقاسم؛ ادیب راد، نسترن. (۱۳۸۷). بررسی روابط ساده و چندگانه سلامت روان با بلوغ عاطفی دانش‌آموزان پایه دوم دبیرستان‌های عادی و تیزهوشان شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی
- ساک، ماندانا؛ صفا، میترا؛ جزایری، حسین؛ آستی، پروین؛ جاریانی، مژگان؛ ساکی، مژگان. (۱۳۸۶). بررسی ویژگی‌های شخصیتی و روانشناختی زنان و دختران فراری نگهداری شده در مراکز مداخله در بحران‌های اجتماعی استان لرستان. مجله علمی پژوهشی یافته ۹ (۱): ۳۵-۴۲
- سامری، هدا. (۱۳۹۶). بررسی نقش آموزش‌های فرهنگی، اجتماعی در توانمندسازی زنان زندانی پس از آزادی (مطالعه موردی). دومین همایش ملی جایگاه زنان در کارآفرینی و توسعه پایدار، اصفهان.

صدیقی ارفعی، فریبرز؛ تابش، ریحانه. (۱۴۰۱). پیش‌بینی جرم چندبعدی بر اساس نمودارهای عاطفی و سرکوب افکار با نقش تعدیل‌کنندگی جنسیت. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۲۰ (۴).

عباسی بیگی، لیلا؛ زمردی، سعیده؛ خوشنویس، الهه. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش مبتنی بر معنادرمانی بر بلوغ عاطفی و سبک‌های هویت در نوجوانان پسر مقطع متوسطه شهر تهران. پنجمین کنفرانس ملی نوآوری‌های اخیر در روانشناسی، کاربردها و توانمندسازی با محوریت روان‌درمانی، تهران.

علامه، عاطفه؛ شهنی بیلاق، منیجه؛ حاجی یخچالی، علیرضا؛ مهربانی زاده هنرمند، مهناز. (۱۳۹۷). تأثیر آموزش مهارت‌های مطلوب اجتماعی مبتنی بر برنامه گروه‌بندی مهارت بر شایستگی اجتماعی دانش‌آموزان پسر پرخاشگر. *دوفصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری*، ۶ (۱۱)، ۴۵-۶۵.

علمی، محمود؛ حیدری، رضا. (۱۳۹۰). رابطه پایگاه هویت و جرم در بین جوانان آذربایجان. *مطالعات امنیت اجتماعی*، جدید (۲۶)، ۸۳-۹۷.

فانی، فانی؛ محمدی، احمد. (۱۳۹۳). تبیین رابطه توانمندسازی روان‌شناختی کارکنان با قابلیت بلوغ سازمانی مطالعه موردی؛ گروه ۵۵ توپخانه اصفهان. *علوم و فنون نظامی*، ۱۰ (۲۸).

قربانی، اسماعیل. (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی رویکردهای توانمندسازی زنان روسپی. دهمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران.

قربانی، علیرضا؛ یازرلو، سمانه. (۱۴۰۰). مدل یابی معادلات ساختاری سبک‌های هویت‌یابی و خودکارآمدی با نگرش به جرم در دانش‌آموزان. *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. ۷ (۱): ۱-۱۴.

محمدی، فرهاد. (۱۳۹۷). توانمندسازی و راهکارهای مواجهه با آسیب‌های اجتماعی، اولین کنگره ملی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، اسفراین.

مهدوی، سیده عاطفه؛ دهستانی، مهدی؛ پسندیده، محمد مهدی؛ نیک نفس، خدیجه. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش مهارت‌های خودمدیریتی بر رفتار قلدری و مقبولیت اجتماعی دانش‌آموزان پسر زندانی. *روان‌شناسی تربیتی (روانشناسی و علوم تربیتی)*، ۱۵ (۵۳)، ۱۴۱-۱۵۹.

نمازی، فرحناز؛ سهرابی شگفتی، نادره. (۱۳۹۷). نقش واسطه‌گری سازگاری اجتماعی در بین الگوهای خانواده و سلامت روان نوجوانان، *مجله مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۱۵ (۳۰)، ۲۳۷-۲۵۶.

ویسکرمی، حسنعلی؛ عبدالهی، مریم؛ مرادی زاده، سیروس. (۱۳۹۸). مقایسه‌ی بلوغ عاطفی و اجتماعی و هیجان‌خواهی در نوجوانان پسر جرم و عادی شهر خرم‌آباد. *رویش روان‌شناسی*، ۸ (۱): ۱۱۶-۱۰۹.

Aiello, B., & McQueeney, K. (2016). "How Can You Live without Your Kids?": Distancing from and Embracing the Stigma of "Incarcerated Mother." *Journal of Prison Education and Reentry*, 3(1), 32-49.

Batista, T., Johnson, A., & Friedmann, L. B. (2018). The effects of youth empowerment programs on the psychological empowerment of young people aging out of foster care. *Journal of the Society for Social Work and Research*, 9(4), 531-549.

Benetti, C., & Kambouropoulos, N. (2006). Affect-regulated indirect effects of trait anxiety and trait resilience on self-esteem. *Personality and individual*

- differences*, 41(2), 341-352.
- Blasi, A. (1995). Moral understanding and the moral personality: The process of moral integration. *Moral development: An introduction*, 1, 229-253.
- Christian, M. (1998). Empowerment and Black communities in the UK: With special reference to Liverpool. *Community Development Journal*, 33(1), 18-31.
- Conger, J. A., & Kanungo, R. N. (1988). The empowerment process: Integrating theory and practice. *Academy of management review*, 13(3), 471-482.
- Cook, s (1994)," the cultural implications of empowerment empowerment in organization, vol.2.no1,pp: 9-13.
- Cunnie, K. A., MartinRogers, N., & Mortimer, J. T. (2009). Adolescent work experience and self-efficacy. *International Journal of Sociology and Social Policy*.
- Damon, W. (1984). Self-understanding and moral development from childhood to adolescence. *Morality, moral behavior, and moral development*, 109-127.
- Durkheim, E. (1961). *Moral Education* (Glencoe IL Free Press).
- Erikson, E. H. (1994). *Identity youth and crisis* (No. 7). WW Norton & company.
- Hanich, L. B., Jordan, N. C., Kaplan, D., & Dick, J. (2001). Performance across different areas of mathematical cognition in children with learning difficulties. *Journal of educational psychology*, 93(3), 615.
- Hardy, S. A., Francis, S. W., Zamboanga, B. L., Kim, S. Y., Anderson, S. G., & Forthun, L. F. (2013). The roles of identity formation and moral identity in college student mental health, health-risk behaviors, and psychological well-being. *Journal of Clinical Psychology*, 69(4), 364-382.
- Ishfaq, N. I. M. R. A. H., & Kamal, A. N. I. L. A. (2018). Translation and Validation of Emotional Maturity Scale on Juvenile Delinquents, Pakistan. *Psycho-Lingua*, 48(2), 140-148.
- Joy, M., & Mathew, A. (2018). Emotional maturity and general well-being of adolescents. *IOSR Journal of Pharmacy*, 8(5), 01-06.
- Keller, B., & Mbewe, D. C. (1991). Policy and planning for the empowerment of Zambia's women farmers. *Canadian Journal of Development Studies/Revue canadienne d'études du développement*, 12(1), 75-88.
- Krettenauer, T., & Casey, V. (2015). Moral identity development and positive moral emotions: Differences involving authentic and hubristic pride. *Identity*, 15(3), 173-187.
- Kumar, S. (2014). Emotional maturity of adolescent students in relation to their family relationship. *International Research Journal of Social Sciences*, 3(3), 6-8.
- Kurtines, W. M., & Gewirtz, J. L. (1995). *Moral development: An introduction*. Allyn & Bacon.
- Lefebvre, J. P., & Krettenauer, T. (2019). Linking moral identity with moral emotions: A meta-analysis. *Review of General Psychology*, 23(4), 444-457.
- Malhotra, A., Schuler, S. R., & Narayan, D. (2005). Measuring empowerment: Cross-disciplinary perspectives. *World Bank*, 71-88.

- Montgomery, K.L, Thompson, S.J, Barczyk, AN. (2011). Individual and relationship factors associated with delinquency among throwaway adolescents. *Children and youth services review* 33: 1127-1133.
- Muawanah, L. B., & Pratikto, H. (2012). Kematangan emosi, konsep diri dan kenakalan remaja. *Jurnal Psikologi Tabularasa*, 7(1).
- Obungwah, F. (2022). EMOTIONAL INTELLIGENCE AND DELINQUENT BEHAVIOUR AMONG SECONDARY SCHOOL STUDENTS IN OBIO-AKPOR LOCAL GOVERNMENT AREA OF RIVERS STATE, NIGERIA. *European Journal of Education Studies*, 9(2).
- Patrick, R. B., Bodine, A. J., Gibbs, J. C., & Basinger, K. S. (2018). What accounts for prosocial behavior? Roles of moral identity, moral judgment, and self-efficacy beliefs. *The Journal of genetic psychology*, 179(5), 231-245.
- Sharma, N., Sharma, S., & Kang, T. K. (2017). Assessment of social and emotional maturity in juvenile delinquents. *Indian Journal of Positive Psychology*, 8(4), 645-647.
- Spritzer, G. (1995). Psychological Empowerment in the Workplace: Dimensions, Measurement and Validation, the *Academy of Management Journal*, 38(5), 1442-1465.
- Tinsley, S. (2014). *The development of a self empowerment programme for juvenile delinquents*. University of Johannesburg (South Africa).
- Wang, X., Lei, L., Yang, J., Gao, L., & Zhao, F. (2017). Moral disengagement as mediator and moderator of the relation between empathy and aggression among Chinese male juvenile delinquents. *Child Psychiatry & Human Development*, 48, 316-326.
- Wippold, G. M., & Frary, S. G. (2022). The role of modifiable, self-empowerment-oriented variables to promote health-related quality of life among inadequately insured Americans. *Journal of Prevention*, 43(1), 95-110.